

روش تحقیق

تحلیل گفتمان

Discourse analysis

مقدمه

- کردار گفتمانی حدواسط میان متن و کردار اجتماعی است و با استفاده از آن مردم از زبان برای تولید و مصرف متن بهره می گیرند و بدان طریق متن به کردار اجتماعی شکل می دهد و همچنین از آن شکل می گیرد.
- در این تکنیک نیز تبیین و تبیین اجتماعی حضور دارد به صورتی که هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان بعنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است؛ تبیین گفتمان را بعنوان کنش اجتماعی توصیف می کند، و نشان می دهد که چگونه ساختارهای اجتماع گفتمان را تعیین می بخشند.

تاریخچه و پیشینه

- تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به « سخن کاوی»، « تحلیل کلام» و « تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است؛ یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از واسط دهه‌ی ۱۹۶۰ تا اواسط دهه‌ی ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده‌ی علمی-معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد و روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقمند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است.
- اگر بخواهیم تحلیل گفتمان را بعنوان روشی در پژوهش‌های علمی، اجتماعی، بکار بریم باید آن را از روشی کثرت‌گرا و چند رشته‌ای به روش‌های میان رشته‌ای تبدیل کنیم و این مستلزم در گرفتن بحث‌های عمیق‌تر بین حامیان و طرفداران رویکردها، روش‌ها، و نظریه‌های مختلف است. البته به یقین هدف این نیست که همه کارها را به یک شکل و قالب درآوریم، اما می‌خواهیم دست کم به برنامه‌ای مشترک، به عبارت دیگر به مبنایی برای اجماع و توافق بر سر مباحث اصلی نظری و روش‌شناختی در حوزه‌های علوم اجتماعی دست یابیم.

تحلیل گفتمان انتقادی

- تحلیل انتقادی در بررسی پدیده‌های زمانی و اعمال گفتمانی به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی زور، قدرت، سلطه و نابرابری در گفتمان توجه کرده و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای کنشگران هدف و موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد.
- رویکرد انتقادی، مدعی است که گزاره‌های تلویحی طبیعی شده که منشی ایدئولوژیک دارند در گفتمان فراوان یافت می‌شوند و در تعیین جایگاه مردم بعنوان فاعلان اجتماعی، نقش ایفا می‌کنند. این گزاره‌های طبیعی شده نه تنها شامل جنبه‌هایی از معانی اندیشگانی اند، بلکه مثلاً متضمن مفروضاتی هم درباره‌ی روابط اجتماعی‌ای هستند که شالوده‌ی اعمال تعاملی‌اند. این مفروضات کلاً طبیعی شده‌اند و مردم عموماً از وجود آن‌ها بی‌خبرند؛ نه می‌دانند که چگونه آن‌ها را در مورد ایشان بکار می‌برند و نه می‌دانند که خود چگونه آن‌ها را در مورد دیگران بکار می‌بندند. تأکید بر گفتمان در چارچوب باز تولید اجتماعی روابط سلطه است.

تحلیل گفتمان غیر انتقادی

- زبان‌شناسان در بحث از تحلیل گفتمان، دو دیدگاه را مطرح می‌کنند. نخست، دیدگاهی که تحلیل گفتمان را بررسی و تحلیل واحدهای بزرگتر از جمله تعریف می‌کند، دوم دیدگاهی که تحلیل گفتمان را تمرکز خاص بر چرایی و چگونگی استفاده از زبان می‌داند. دیدگاه اول، را که به شکل و صورت متنی توجه می‌کند، ساختارگرا و دیدگاه دوم را که به کار کردن متن توجه دارد، کارکردگرا نامیده‌اند. اولی گفتمان را واحد مشخصی از زبان می‌داند که بزرگتر از جمله است و تحلیل گفتمان را تحلیل و بررسی این واحدها بر می‌شمارد، دومی تحلیل گفتمان را مطالعه جنبه‌های مختلف چگونگی استفاده از زبان می‌داند که بر روی کارکردهای واحدهای زبانی متمرکز است. این عده اعمال و کردار مردم و همچنین مقاصد معینی را که آن‌ها در بکارگیری زبان بدان توجه دارند مد نظر قرار داده و سعی می‌کند معانی اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی آن‌ها را بشناسد.
- سخن کاوی یا تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی بویژه با تعاملات یا مکالمات بین گویندگان سروکار دارد.

اصول رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی

- روابط قدرت و سلطه عملی گفتمانی است.
- تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی مشکلات اجتماعی می پردازد.
- گفتمان نقش ایدئولوژیک دارد، و ایدئولوژی نیز گفتمان را شکل می بخشد.
- فرهنگ و جامعه بوسیله گفتمان ساخته می شود.
- تحلیل گفتمان امری تفسیری و تبیینی است.
- تحلیل گفتمان انتقادی نوعی تحلیل ایدئولوژیکی از متون است.
- کاربرد خنثای زبان وجود ندارد، کلیه متون دارای انگیزه و بار ایدئولوژیکی هستند.

تحلیل گفتمان غیر انتقادی

- زبان‌شناسان در بحث از تحلیل گفتمان، دو دیدگاه را مطرح می‌کنند. نخست، دیدگاهی که تحلیل گفتمان را بررسی و تحلیل واحدهای بزرگتر از جمله تعریف می‌کند، دوم دیدگاهی که تحلیل گفتمان را تمرکز خاص بر چرایی و چگونگی استفاده از زبان می‌داند. دیدگاه اول، را که به شکل و صورت متنی توجه می‌کند، ساختارگرا و دیدگاه دوم را که به کار کرد متن توجه دارد، کارکردگرا نامیده‌اند. اولی گفتمان را واحد مشخصی از زبان می‌داند که بزرگتر از جمله است و تحلیل گفتمان را تحلیل و بررسی این واحدها بر می‌شمارد، دومی تحلیل گفتمان را مطالعه جنبه‌های مختلف چگونگی استفاده از زبان می‌داند که بر روی کارکردهای واحدهای زبانی متمرکز است. این عده اعمال و کردار مردم وهمچنین مقاصد معینی را که آن‌ها در بکارگیری زبان بدان توجه دارند مد نظر قرار داده و سعی می‌کند معانی اجتماعی، فرهنگی و موقعیتی آن‌ها را بشناسد.
- سخن کاوی یا تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در زمینه‌های اجتماعی بویژه با تعاملات یا مکالمات بین گویندگان سروکار دارد.

مراحل کلی تحلیل گفتمان

1. چارچوب نظری: نخستین شرط ضروری برای تحلیل گفتمان تعیین چارچوب نظری است. این امر نیز بعد از یک مطالعه مقدماتی یا زمینه ای برای محقق حاصل می شود.
2. نمونه: تا هنگامی که تحلیل گران گفتمان نمونه های خود را چونان اشیاء طبیعی می نگرند و تکه های گفتمان را با بی توجهی یا کم توجهی به جایگاه آنها در قالب های نهادیشان، مورد تحلیل قرار می دهند به هیچ روی نمونه گیری اصولی امکان نخواهد داشت.
3. واحد تحلیل: در تحلیل گفتمان فراتر از کلمه است، برحسب موضوع مورد بررسی و برحسب متغیرها و شاخص های تحقیق، واحد تحلیل می تواند یک جمله، عبارت، بند، پارگراف و ... باشد.
4. طبقه بندی مطالب جمع آوری شده: مطالب را مطابق فرضیه ها و اهداف تحقیق در مقولات یا طبقات متفاوت دسته بندی می کنیم.
5. پردازش داده ها: محقق می تواند داده ها را کدگذاری نموده به صورت کمی در آورد و با استفاده از روش های رایج رایانه ای آنها را پردازش نماید.

ابزار

- از لحاظ روش‌شناختی تحلیل گفتمان انتقادی از گشتارها، فرآیند مجهول سازی، گفتار مستقیم و غیرمستقیم، ساخت نقدی بعنوان مقوله‌ای معنایی نه نحوی، فرآیند اسم سازی، گزینش‌های لغوی، انواع انسجام و ساخت وجهی استفاده می‌کند.
- عبارت دیگر می‌توان گفت که این رویکرد از ابزارها و مفاهیم زبان‌شناسی صورت‌گرا و نقش‌گرا بخصوص دستور مدل نظام‌مند هالیدی برای تبیین ایدئولوژی‌های پنهان و منابع قدرت در پشت متون زبانی بهره می‌گیرد.
- چهار ساختار گفتمان مدار زبان‌شناختی برجسته عبارتند از:
 1. گزینش لغات و تعبیرات خاص (نام دهی)
 2. فرآیند اسم سازی
 3. بکارگیری مجهول در برابر معلوم یا برعکس
 4. بهره‌گیری از الگوهای متفاوت جمله (جملات کنشی، ربطی، وصفی، اسنادی و...)